

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و چالش‌های پیش روی آن‌ها

گفت‌وگو با مهندس محمد نشاسته‌ریز مشاور وزیر آموزش و پرورش در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

اشاره

بررسی چالش‌های پیش روی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش محور اصلی گفت‌وگویی است که با آقای مهندس محمد نشاسته‌ریز، مشاور وزیر آموزش و پرورش در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، انجام داده‌ایم. مهندس نشاسته‌ریز دارای مدارک لیسانس رشته مهندسی متالورژی از دانشگاه علم و صنعت و فوق لیسانس مدیریت دولتی است.

ایشان بیش از ۲۵ سال سابقه کار در بخش‌های گوناگون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش از جمله در پست‌های مدیر کل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مدیر کل دفتر تألیف و برنامه‌ریزی آموزشی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و ... دارد و اکنون مشاور وزیر آموزش و پرورش در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش است.

یکی از مهم‌ترین
توصیه‌هایی که در
کنفرانس آموزش
و تربیت حرفه‌ای
منطقه آسیا و
اقیانوسیه در
مالزی ارائه شد،
بالا بردن کیفیت
آموزش و تربیت
فنی و حرفه‌ای
و ارتباط آن با
نیازهای در حال
تغییر دنیای کار بود



پیوند بین دستگاه‌های آموزشی و دستگاه‌های کاری در کشور ما کمرنگ است

● نظر شما درباره جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در نظام آموزشی کشور چیست؟

○ موضوع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در همه نظام‌های آموزشی موضوعی جدی و مهم است. مهم از این نظر که نقش این آموزش‌ها در توسعه کشورها اساسی است. از طرف دیگر، هزینه‌بر بودن این نوع آموزش‌ها همیشه از دغدغه‌های همه نظام‌های آموزشی در دنیا است.

در «کنفرانس آموزش و تربیت حرفه‌ای منطقه آسیا و اقیانوسیه» که در مردادماه با حضور وزرای کشورهای عضو در مالزی برگزار شد، نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و چالش‌های پیش روی آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در پایان چند توصیه به کشورهای عضو ارائه شد.

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های این کنفرانس بالا بردن کیفیت آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و ارتباط آن با نیازهای در حال تغییر دنیای کار بود. چون برای این آموزش‌ها که در نوع خود گران‌قیمت هم هستند، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که با نیازهای جامعه مطابقت داشته باشد تا در توسعه و پیشرفت کشور مفید واقع شود.

اما تعیین نیازها کار بسیار دشوار و پیچیده‌ای است و به سادگی امکان‌پذیر نیست. در بسیاری از کشورها، تعیین نیازها بر اساس اعلام دستگاه‌های ذی‌ربط به واحدهای آموزشی انجام می‌شود. اما در کشور ما معمولاً دستگاه‌ها به جای اینکه نیازهای خود را به واحدهای آموزش‌دهنده اعلام یا ارجاع کنند، خودشان مستقیماً برای تأمین نیازهایشان برنامه‌ریزی و نظام آموزشی مخصوص به خود را ایجاد می‌کنند. در نتیجه دستگاه‌های مجری امر آموزشی نمی‌توانند، از یک طرف با دستگاه‌های اجرایی ارتباط تنگاتنگ برقرار کنند و از طرف دیگر، از نیازهای آن‌ها آگاه شوند. این در شرایطی است که همین دستگاه‌ها پیش‌بینی اعطای مدارک مربوط را نیز کرده‌اند و به این ترتیب نیروی مورد نیاز خود را که هم شامل نیروی ورودی و هم نیروی موجود در حال کار است، آموزش می‌دهند.

بنابراین پیوند بین دستگاه‌های آموزشی و دستگاه‌های کاری در کشور ما کمرنگ است. چون دستگاه‌های اجرایی برای آموزش نیروهای مورد نیاز برنامه خود را دارند و ارتباطی با دستگاه‌های آموزش‌دهنده ندارند. این موضوع باعث می‌شود

که از یک طرف دستگاه‌های آموزش‌دهنده دچار رکود شوند و از طرف دیگر هزینه‌های دستگاه‌های بهره‌بردار افزایش یابد.

● آموزش و پرورش برای حل این مشکل، یعنی تعیین نیازهای جامعه و توسعه ارتباط با دستگاه‌های کاری، چه اقداماتی کرده است؟

○ برای حل این مشکل آموزش و پرورش در دهه ۱۳۷۰ شاخه کاردانش را ایجاد کرد. شاخه کاردانش در این زمان عهده‌دار تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر برای دنیای کار شد. به علاوه مقرر شد، از طریق ارتباط و هماهنگی با همه دستگاه‌های بهره‌بردار، استانداردهای آموزشی لازم توسط دستگاه ذی‌ربط تهیه شود. به این صورت که دستگاه‌های بهره‌بردار مسئولیت تهیه و ارائه استانداردهای مهارت را عهده‌دار شوند و آموزش و پرورش نیز مسئولیت ارائه آموزش‌های عمومی و شهروندی را برعهده بگیرد. این اتفاق می‌مونه و مبارکی بود، چون بین واحدهای آموزشی و دستگاه‌ها آشتی برقرار شد. ضمن آنکه عدالت آموزشی را هم به همراه آورد.

● چرا عدالت آموزشی؟

○ زیرا با ایجاد شاخه کاردانش، بسیاری از کسانی که قاعدتاً ترک تحصیل می‌کردند یا علاقه‌ای به ادامه تحصیل نداشتند، در شاخه کاردانش با توجه به تنوع بسیار زیاد رشته‌ها در این شاخه، رشته مورد علاقه خود را انتخاب می‌کردند و در آن مهارت لازم را به دست می‌آوردند. برای آنکه این آموزش‌ها به اشتغال منتهی شوند اقدامات دیگری هم لازم بود، از جمله صدور مجوزهای لازم، سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی مورد نیاز و از همه مهم‌تر، آموزش کارآفرینی که لازمه خوداشتغالی آنان بود. گرچه در این زمینه کاستی‌هایی وجود داشت، ولی در هر حال شاخه کاردانش، شاخه بسیار موفقی بود که در آینده هم می‌تواند نقش آفرینی کند.

می‌دانیم که یکی از ویژگی‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبارزه با فقر است. چون اگر فردی توانمند شد و مهارت کسب کرد، می‌تواند با آن مهارت به اشتغال دست یابد و درآمد کسب کند. باید توجه داشته باشیم که یکی از مشکلات امروز جامعه ما سهم زنان در اشتغال است. این سهم چندان نیست، مخصوصاً در مناطق روستایی که امکان اشتغال زنان بسیار کم است. آموزش‌های

با ایجاد شاخه
کاردانش، بسیاری
از کسانی که
قاعدتاً ترک
تحصیل می‌کردند
یا علاقه‌ای به ادامه
تحصیل نداشتند،
در شاخه کار دانش
با توجه به تنوع
بسیار زیاد رشته‌ها
در این شاخه،
رشته مورد علاقه
خود را انتخاب و در
آن مهارت لازم را
کسب می‌کردند

در کشور ما
دستگاه یا نهاد
هماهنگ‌کننده‌ای
وجود ندارد که
سیاست‌گذاری
کند و تکلیف
دستگاه‌های
مختلف را روشن
سازد تا هر بخش
یادستگاهی
بداند که در حوزه
آموزش‌های
فنی‌و حرفه‌ای چه
وظیفه‌ای دارد



مهارتی و فنی‌و حرفه‌ای می‌توانند زنان و حتی مردان را به خوداشتغالی و تولید محصولات در هر شرایطی در منزل تشویق و ترغیب کنند تا در نهایت بتوانند محصول خود را به بازار عرضه دارند؛ کاری که در بسیاری از کشورهای دنیا مانند هند و چین انجام می‌شود.

● در کنفرانس آموزش و تربیت حرفه‌ای منطقه آسیا و اقیانوسیه چه توصیه‌های دیگری شده بود؟

○ یکی دیگر از توصیه‌های این کنفرانس اطمینان از آموزش فنی‌و حرفه‌ای فراگیر و عادلانه است. این کنفرانس به کشورهای عضو توصیه کرده بود که آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای را برای جمعیت‌های محروم، از جمله افراد کم‌توان و معلول و کسانی که در مناطق دورافتاده و روستایی زندگی می‌کنند، فراهم سازند.

معمولاً دولت‌ها آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای و مهارتی را مسیر و وسیله‌ای برای توسعه و نوسازی کشور می‌دانند و لذا تمایل شدیدی به سرمایه‌گذاری در آن‌ها از خود نشان می‌دهند. آن‌ها از این نوع آموزش‌ها انتظار دارند تا برخی از چالش‌های اساسی جامعه را برطرف کنند. برای مثال اقتصاد را رقابت‌پذیر سازند و با بی‌کاری مقابله کنند. تجربه کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا نشان می‌دهد که این نوع آموزش‌ها با حمایت‌ها و پشتیبانی دولت‌ها رشد و توسعه قابل توجهی را به همراه خواهند داشت. اما متأسفانه در کشور چند مشکل اساسی در این زمینه وجود دارد که باید در برنامه ششم به آن‌ها توجه ویژه داشته باشیم:

اول آنکه اهمیت دادن به این نوع آموزش‌ها به دلیل نقشی که در توسعه و پیشرفت کشور دارند، با شعار و تصمیم‌ها و اقدامات بدون پشتوانه، علاوه بر آنکه مشکلی را حل نمی‌کند، خسارت‌آفرین هم هست. بنابراین نیازمند تصمیم‌گیری و انجام اقدامات منسجم و دارای پشتوانه در بخش‌های دولتی و خصوصی است.

دوم توسعه بی‌رویه آموزش‌های عالی در چند سال گذشته موجب شده است، خروجی‌های نامناسبی از این آموزش‌ها روانه بازار شوند و در نتیجه بهره‌برداران اقبال مناسبی برای جذب آن‌ها نشان ندهند. در این قسمت نیز نیازمند بازنگری در کیفیت‌بخشی به آموزش‌های عالی هستیم.

● به نظر شما مهم‌ترین چالش‌هایی که امروز آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش در کشور ما با آن‌ها روبه‌رو هستند، کدام‌اند؟

○ به نظر من سه مشکل و چالش اساسی در مسیر توسعه آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش در کشور ما وجود دارد:

چالش اول شأن و منزلت این نوع آموزش‌ها در خانواده‌هاست. خانواده‌ها باید احساس کنند که فرزندشان در هنرستان‌ها و مراکز آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای، برای اشتغال قابلیت و توانمندی پیدا می‌کند و زودتر می‌تواند درآمد کسب کند. چنانچه فرایند این آموزش‌ها به درستی طی شود، افراد براساس استعداد و علاقه و نیاز منطقه زیست خود رشته انتخاب می‌کنند و می‌توانند در بنگاه‌های مربوط مشغول به کار شوند و یا به‌صورت اولی خود کار و کسی راه بیندازند و خوداشتغالی توسعه یابد. اگر فردی توانمندی ارائه کاری را داشت و توانست خدماتی یا محصولی ارائه کند، قطعاً برای خود و خانواده‌اش مفیدتر و ارزشمند است، تا آنکه مدارک دانشگاهی بگیرد و بی‌کار باشد.

حدود هفت هزار هنرستان وابسته به آموزش و پرورش از نظر تجهیزات، نیروی انسانی و بودجه سرانه با مشکلات جدی روبه‌رو هستند

پس خانواده‌ها باید در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان کمک کنند، نه آنکه آرزوها و آمال خودشان را بدون توجه به استعداد فرزندشان به او تحمیل کنند. از طرف دیگر، آموزش و پرورش باید بین هدایت تحصیلی و تعیین رشته برای دانش‌آموزان تفاوت قائل شود. افراد باید به رشته خود علاقه‌مند باشند و آن را دوست داشته باشند و تصورشان این باشد که در بهترین رشته و بهترین مدرسه درس می‌خوانند.

چالش دوم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در کشور ما، پراکندگی و ناهماهنگی در ارائه این نوع آموزش‌هاست. در کشور ما دستگاه یا نهاد هماهنگ‌کننده و سیاست‌گذاری که تکلیف دستگاه‌های مختلف را روشن کند تا هر بخشی یا هر دستگاهی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وظیفه خود را بداند، وجود ندارد. در نتیجه با توجه به منابع محدود و امکانات و تجهیزات گران‌قیمت مورد نیاز این نوع آموزش‌ها، بخش عمده‌ای از این منابع به دلیل عدم تشخیص درست نیازها و همچنین هم‌پوشانی فعالیت‌ها تلف می‌شوند. برای مثال هم‌اکنون در مراکز سازمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که متولی آموزش‌های غیررسمی برای تربیت نیروی مورد نیاز بازار کار است، ۶۰ درصد ظرفیت این مراکز صرف آموزش کسانی می‌شود که لیسانس یا فوق‌لیسانس هستند و مشغول فراگیری مهارت‌های مورد نیاز بازار کار هستند. این خسارت بسیار سنگینی هم به لحاظ مالی و هم به لحاظ اتلاف عمر برای این افراد است. برای نمونه فردی که لیسانس روان‌شناسی گرفته است و باید در این حوزه کار کند، حالا مشغول یادگیری جوشکاری است و شکی نیست که این افراد دچار نوعی ناراحتی و افسردگی خواهند شد.

البته به نقل از رئیس اتحادیه مربوطه، ۷۵ درصد افرادی که در ۱۵ هزار آموزشگاه فنی و حرفه‌ای مشغول آموزش‌های مهارتی هستند، مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس دارند و این یعنی یک ضایعه بزرگ. خوش‌بختانه در سال‌های اخیر، با توجه به توسعه دانشگاه‌ها و افزایش ظرفیت بیش از حد آن‌ها، اعتبار مدرک دانشگاهی نزد خانواده‌ها کم‌رنگ شده است و کم‌کم جامعه به سمت آموزش‌های منطبق بر بازار کار و فراگیری مهارت برای پاسخ‌گویی به دنیای کار رغبت پیدا کرده است. و این نقطه قوتی است که نشان می‌دهد افراد صرفاً نباید به دنبال مدرک باشند.

چالش سوم در حال حاضر در کشور ما، نبود ارتباط مناسب بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با نظام بهره‌بردار است. این چالشی اساسی است که ان‌شاءالله باید در برنامه‌های بلندمدت کشور از جمله برنامه ششم برای آن چاره‌ای اندیشید.

این توقع وجود دارد که دستگاه‌های مختلف کشور با دستگاه‌های متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش مشارکت کنند. واژه مشارکت بسیار مهم است. یعنی دو دستگاهی که با هم مشارکت می‌کنند، شریک باشند و برای یکدیگر حق تصمیم‌گیری قائل باشند تا این مشارکت‌ها باعث رشد کیفیت آموزش‌های متناسب با بازار کار شود. دولت باید با توجه به اقتصاد مقاومتی از بخش خصوصی برای ارائه این نوع آموزش‌ها حمایت کند.

متأسفانه در کشور ما خانواده‌ها معمولاً تمایلی ندارند برای مهارت‌آموزی فرزندان خود هزینه کنند، در حالی که برای کلاس‌های کنکور و ورود به دانشگاه با میل و رغبت هزینه می‌کنند. بنابراین تا زمان تغییر این نگاه، دولت باید هزینه‌های لازم را بپردازد.

هم‌اکنون حدود هفت هزار هنرستان وابسته به آموزش و پرورش، از نظر تجهیزات، نیروی انسانی و سرانه با مشکلات جدی روبه‌رو هستند.

در گذشته نه‌چندان دور، هنرستان‌ها دارای خودرو و کارپرداز بودند که هر روز باید این فرد در بازار مواد اولیه مورد نیاز هنرجوها را تهیه می‌کرد. در آن زمان آموزش‌ها با کیفیت مناسب انجام می‌شدند، فارغ‌التحصیلان از توانمندی‌های کسب شده اظهار رضایت می‌کردند و کارفرمایان هم از این فارغ‌التحصیلان تا حد زیادی رضایت داشتند. ولی در سال‌های اخیر، به دلیل تزریق نشدن منابع مورد نیاز و توسعه بی‌رویه رشته‌هایی که امکان ادامه تحصیل بیشتر در آن‌ها فراهم بود، تعادل و توازن این رشته‌ها با بازار کار به هم خورده است. همه این معضلات موجب شده‌اند که ورودی هنرستان‌ها از نظر سطح معلومات مورد نیاز دچار افت کیفیت شود. در واقع شاید بتوان گفت، برنامه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در اجرا به دلیل کمبود منابع و نیروی انسانی مناسب، دچار مشکلات جدی شده است که دولت محترم می‌باید به منظور تأمین نیاز بازار به نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر و برای توسعه کشور، سرمایه‌گذاری لازم را در این زمینه انجام دهد.

هم‌اکنون ما در شرایطی هستیم که بازار قادر

۷۵ درصد
افرادى که در
۱۵ هزار آموزشگاه
فنى و حرفه‌ای
مشغول
آموزش‌های
مهارت‌ی هستند،
مدرک لیسانس و
فوق لیسانس دارند
و این یعنی یک
ضایعه بزرگ

کارآفرینی را باید به همه دانش‌آموزان آموزش داد. اگر سه درصد دانش‌آموزان ما کارآفرین شوند کافی خواهد بود. چون به اندازه کفایت زمینه کار و اشتغال فراهم می‌شود و دیگران نیز می‌توانند اشتغال مناسبی داشته باشند. ما باید همان‌طور که قهرمانان ورزشی را در جامعه تشویق و به‌عنوان پیشرو به مردم معرفی می‌کنیم، کارآفرینان را هم که نقش اساسی در توسعه کشور دارند و حتماً از قهرمانان ورزشی قهرمان‌ترند، به جامعه معرفی کنیم.

فراموش نکنیم که کارآفرینی یک پدیده اکتسابی و یادگرفتنی و بنابراین آموزشی و قابل فراگیری است. با آموزش می‌توان این کار را در جامعه گسترش داد و افراد کارآفرین تربیت کرد. امیدواریم که با تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که به این موضوع (کارآفرینی) توجه جدی دارد و تأکید و توصیه زیادی بر انجام آن شده است، با آموزش کارآفرینی در کشور شاهد تولد کارآفرینان فراوانی باشیم.

نیست افراد مناسبی را برای مشاغلی که به مهارت نیاز دارند، جذب کند، در حالی که افراد دارای مدرک مرتبط اما فاقد مهارت لازم، در جامعه بسیار داریم. این شرایط به دلیل کمبودهای مراکز آموزشی به‌وجود آمده است. وضعیت کنونی هم برای جامعه و هم برای فرد خسارت‌بار است و در نهایت این نوع آموزش‌ها را در جامعه زیر سؤال برده است که باید برای آن چاره‌اندیشی شود.

● کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور چه جایگاهی دارد؟

○ در عصر امروز، سه مقوله اینترنت، دیجیتال و کارآفرینی دنیا را تکان داده و انقلاب بزرگی در جوامع ایجاد کرده است. مقوله کارآفرینی سهم زیادی در اشتغال دارد. آموزش و پرورش به‌عنوان اولین دستگاه مطرح‌کننده کارآفرینی در کشور، متأسفانه امروز خودش در جایگاه مناسبی از نظر آموزش‌های کارآفرینی قرار ندارد.

